

بشر افضل است و از حضرت مرتضوی که بدین علم زیاده است
و بابت او طالبان یقین را قایم صلوة الله علیه و آله است
مستوفی است که الله تعالی ملک را عقل و ادبی شهوت
و غضب و حیوان را شهوت و غضب و ادبی عقل و انسانی
مردود اندیش اگر انسان شهوت و غضب را مطیع
و متفاد عقل گردانید و کمال عقلی برسد رتبه او از ملک
اعلی باشد چه ملک را فراجمی در کمال نیست بلکه اقتضا
در آن نه و انسان با وجود مراتب سبعه و اجتماع دایره
مرتبه فایز شده و اگر عقل را مغلوب شهوت و غضب
سازد خود را از رتبت بهایم فروتر اندازد چه ایشان
بواسطه فقدان عقل که دایره شهوت و غضب نتواند بود
و در نقصان مغذ و رتبه بخلاف انسان **نظم** آدمی زاده
طرف جو نیست از فرشته مرسته در حیوان که کند
سپل این شود کم از این و کند میل آن سوبان را و خلاصه

که در صبح انسان به ملک از حکما بقول است صاحب اصطلاح
حالت صوفیه اشارتی بر رفع آن فرموده و طریق نیکو سن
الرفیقین نموده برین وجه که شش ف غیر کمال است چه شش
بجست قرب پیدا است از سلسله ایجاد و غلبه روحانی
و زراست که لازم نیست و کمال سبب جامعیت است
پس اگر ملک بنا بر قلت و سبب و غلبه احکام چه چه و انش
از انسان باشد انسان بجست جامعیت و اجاد افضل
و اکمل باشد و چون سخن مرطایفه را بر یکی حمل کنند بر
ارتقاء یا بد و خلاف بوفاق بدل شود و لونی **توسیع**
حکمت با آنکه عبارتست از عالم علی و دوم قدرت
فاضله که عبارتست از کمال علمی و این سخن بران تقدیر است
که حکمت را تفسیر عروج علم باحوال موجودات کنند و نفس
عقل را خارج از حکمت دارند اما بران تقدیر که حکمت را